

سوره سوم - آل عمران

این سوره در مدینه نازل شده و ۲۰۰ آیه دارد:

به نام خداوند بخشنده مهربان

الف. لام. میم. (از حروف رمز قرآن) (۱)

الله، جز او معبودی نیست. زنده جاوید است. قرآن را به حق بر تو نازل کرد که تصدیق کننده کتاب‌های (آسمانی) پیشین است. قبل از آن هم تورات و انجیل را برای هدایت مردم فرستاد و فرقان را نازل کرد. بی‌شک کسانی که آیات الهی را انکار کردند عذاب سختی بر آنها است و خدا عزیز انتقام‌گیرنده است (۲ - ۴)

در زمین و آسمان چیزی بر خدا پوشیده نیست. هم اوست که صورت شما را در رحم مادر به هر شکلی که خواهد می‌نگارد. جز او خدائی نیست. به هر کاری توانا و به هر چیزی دانا است. اوست خدائی که قرآن را بر تو فرستاد. بعضی از آیات آن محکم است، آنها اصل و مرجع آیات دیگر کتابند، و برخی دیگر متشابهند^۱. اما کسانی که میل به باطل دارند از پی متشابه می‌روند تا با تأویل آن در دین شبهه و فتنه پدید آورند. در صورتی که تأویل آن را جز خدا کسی نمی‌داند. ولی اهل دانش گویند ما بدان ایمان آوردیم همه از جانب پروردگار است و جز خردمندان پند نگیرند^۲. آنها گویند پروردگار! پس از آن که ما را به راه راست هدایت کردی دل‌های ما را به باطل مایل مگردان و ما را از جانب خویش رحمتی عطا کن که تو بسیار بخشنده‌ای. پروردگار! به یقین تو همه مردم را در روزی که هیچ شباهتی در آن نیست گرد می‌آوری. (این وعده خدا است) و بی شک خدا وعده خود را نقض نمی‌نماید. (۵ - ۹)

کافران را مال و فرزندان‌شان هرگز از عذاب خدا نرهاند. آنها خود هیمه و سوخت دوزخند. آنان نیز همانند فرعونیان و پیشینیان آنها خدا را تکذیب کردند و خدا آنها را به کیفر گناهانشان بگرفت که خدا سخت‌کیفر است. (ای پیامبر) به کافران بگو که به زودی مغلوب شوید و به دوزخ محشور گردید که بسیار جایگاه بدی است! (۱۰ - ۱۲)

بی‌گمان در دو گروهی که با هم (در جنگ بدر) روبرو شدند برای شما آیتی بود. گروهی در راه خدا می‌جنگیدند و گروهی دیگر کافر بودند که با چشم آنها را دو برابر می‌دیدند و خدا هر کس را بخواهد با نصرت خویش تأیید می‌نماید و همانا برای اهل بینش در آن عبرتی می‌باشد^۳. (۱۳)

حب شهوات از زنان و فرزندان، و اندوخته‌های زر و سیم، و اسب‌های نشان‌دار نیکو، و چهارپایان و مزارع، بر مردم آراسته و جلوه‌گر شده است. این‌ها همه متاع زندگی دنیا است و خدا است که منزلگاه بازگشت نیکو نزد او است! بگو شما را به بهتر از این‌ها خبر دهم بر کسانی که تقوی پیشه کنند نزد پروردگارشان باغ‌های بهشتی است که در زیر درختان آنها نهرها جاری است و در آن جاودان بمانند. (برای آنان) همسران پاکیزه و نیز

۱. بسیاری از آیات قرآن محکم و صریح و قاطع است و در معنی آنها شبهتی نیست و آنها را "محکومات" می‌گویند. برخی دیگر آیاتی هستند که تفسیر آنها، به سبب شباهت به مضمون‌های دیگر دشوار است و آنها را متشابهات" می‌نامند.

۲. تفسیر و تأویل نیز دو مطلبی است که در مورد قرآن باید بدان‌ها توجه شود. تفسیر باز کردن و مکشوف ساختن ظاهر آیات قرآن است مثل این که این آیه کی نازل شده، کجا نازل شده، به چه مناسبتی نازل شده است و نظایر آن. ولی تأویل معلوم کردن باطن و منظور آیات می‌باشد که به گفته قرآن جز خدا کسی نمی‌داند.

۳. نوشته اند اشاره به جنگ بدر است که لشکر ۳۱۳ نفری اسلام بر سپاه مجهز هزار نفری کفار پیروز شد.

بیمارز و از آتش دوزخ ما را نگهدار. آنها صابرانند، و راستگویانند، و فرمانبردارانند، و خشنودی خدا باشد و خدا به حال بندگان بینا است. (۱۴ - ۱۵)

آنها (یعنی متقیان) کسانی که گویند پروردگار! ما به تو ایمان آوردیم پس گناهان ما را انفاق کنندگانند، و استغفارکنندگان در سحرگاهان می‌باشند. (۱۶ - ۱۷)

خدا گواهی داده است که جز او معبودی نیست و فرشتگان و دانایان (نیز گواهی داده‌اند که) اوست که عدالت را برقرار می‌کند و جز او، که عزیز و حکیم است خدائی نمی‌باشد. (۱۸)

همانا دین، نزد خدا اسلام است و اختلافی که میان اهل کتاب ظهور کرده از راه حسد در بین خود آنها بوده وگرنه قبلاً علم و آگاهی به سویشان آمده بود. آن کس که به آیات الهی کافر شود باید بداند که حسابرسی خدا سریع خواهد بود. پس اگر با تو محاجه کنند بگو من، و کسانی که از من پیروی می‌کنند، رو به سوی خدا آورده‌ایم. به اهل کتاب و آنهایی که خواندن و نوشتن (کتاب آسمانی) را نمی‌دانند بگو آیا شما اسلام آورده‌اید؟ اگر اسلام آورده‌اند پس هدایت یافته‌اند و اگر روی برگردانده‌اند وظیفه تو فقط ابلاغ پیام و امر خدا است و خدا خود به کار و حال بندگان بینا می‌باشد. (۱۹ - ۲۰)

کسانی که به آیات الهی کافر شوند، و پیامبران را به ناحق بکشند، و آنانی را که مردم را به عدل و داد فرامی‌خوانند، به قتل برسانند آنها را به عذاب دردناکی بشارت بده. آنها کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه گشته و یاری دهندگانی برای آنها نیست! آیا ندیدی کسانی که بهره‌ای از کتاب (تورات) به آنها داده شده وقتی به سوی کتاب خدا (قرآن) دعوت می‌شوند که میانشان داوری کند گروهی از آنان روی برمی‌گردانند و بدان پشت می‌نمایند. این بدان جهت است که می‌گویند آتش (دوزخ) جز چند روزی به ما نخواهد رسید و این سخنان، که به‌دروغ از خود ساخته‌اند، آنان را در دین مغرور گردانیده است! پس چگونه خواهد بود حال آنها آنگاه که آنان را، در روزی که هیچ شکی در آن نیست، جمع آوریم؟! و البته هر کس به جزای اعمال خود می‌رسد بدون آن که ظلمی به آنان کرده شود. (۲۱ - ۲۵)

بگو ای پروردگار صاحب مُلک! تو به هر که خواهی ملک و سلطنت دهی و از هر که خواهی ملک و سلطنت بازستانی. به هر که خواهی عزّت و اقتدار بخشی و هر که را خواهی خوار و ذلیل گردانی. خیر و نیکی به دست تو است. همانا تو بر همه چیز توانائی. شب را در روز فروبری و روز را در پرده‌شب ناپدید گردانی. از مرده زنده برانگیزی و از زنده مرده برون آوری. و هر که را که خواهی روزی بی‌حساب عطا کنی! (۲۶ - ۲۷)

مؤمنان، اهل ایمان را گذاشته از کافران دوست مگیرید و هر کس چنین کند نزد خدا ارزشی نخواهد داشت مگر آن که برای بر حذر بودن از شرّ آنها (باشد). خدا شما را از عقاب خویش برحذر می‌دارد و بازگشت همه به سوی اوست. بگو آن چه را که در دل دارید چه پنهان و چه آشکار سازید خدا بدان آگاه است، و هر چه را که در آسمان‌ها و زمین است او می‌داند و خدا بر همه چیزی توانا است. روز (فرامی‌رسد) هر کس هر کار نیک یا عمل بدی که کرده همه را پیش روی خود حاضر ببیند و آرزو کند که کاش میان او و کارهای بدش فاصله دوری بود و خدا شما را از عذاب خود برحذر می‌دارد و او در حق بندگان مهربان است. (۲۸ - ۳۰)

بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست دارد و شما را بیمارزد و او آمرزنده مهربان است. بگو از خدا و پیامبرش فرمانبرداری کنید. اگر از آنها روی برگردانید (کافر می‌شوید) همانا خدا کافران را دوست ندارد. (۲۸ - ۳۱)

خدا آدم، و نوح، و خاندان ابراهیم، و خاندان عمران را بر جهانیان گزید. برخی از آنها از نسل برخی دیگرند. و خدا شنونده دانا است. (۳۲)

هنگامی که زن عمران^۱ گفت پروردگارا! فرزندی را که در شکم دارم در راه تو نذر کردم از فرزندی معاف دارم^۲. این نذر را از من بپذیر که تو شنونده دانائی. چون فرزند بزاد گفت خدایا فرزندی که زادم دختر است. و خدا بدان چه او بزاد داناتر بود. و پسر مانند دختر نیست. من او را مریم نام نهادم. او و فرزندانش را از شیطان رجیم در پناه تو قرار دادم. (۳۳ - ۳۶)

پس پروردگارش نذر او را به نیکی پذیرفت و وی را به نحو بهتری پرورش داد و زکریا را به کفالت و نگاهبانی او برگماشت^۳. هر وقت زکریا در محراب عبادت مریم وارد می شد نزد او غذا و روزی می دید و می گفت ای مریم از کجا برای تو می رسد؟ می گفت از جانب خدا! براستی خدا به هر کس که خواهد روزی بی حساب عطا کند.

در اینجا بود که زکریا پروردگارش را خواند و گفت پروردگارا! از جانب خویش فرزند پاکسرسنت و پاکیزه ای به من عطا کن که تو شنونده دعائی. او در محراب عبادت به نماز ایستاده بود که فرشتگان ندایش دادند: خدایت تو را به ولادت یحیی بشارت می دهد که تصدیق کننده کلمه ای^۴ از سوی خدا و سروری است خویشان دار از شهوت. و پیامبری است از نیکان. گفت پروردگارا! چگونه مرا پسری شود در حالی که سن پیری فرا رسیده و همسر من نیز نازا است؟ گفت خدا هر چه را که بخواهد بدین گونه انجام دهد. گفت خدایا برای من آیت و نشانی قرار بده. گفت نشانی تو آن که سه شبانه روز جز به طریق رمز با مردم سخن مگو و پروردگارت را بسیار یاد کن و شبانگاهان و بامدادان او را به پاکی بستای. (۳۷ - ۴۱)

به یاد آر هنگامی را که فرشتگان گفتند ای مریم خدا تو را برگزید و طاهر و پاکیزه گردانید و تو را بر زنان عالم برتری داد! ای مریم بر خدایت فرمانبردار باش و او را سجده کن و با رکوع کنندگان و بر او رکوع بنما. (۴۲ - ۴۳)

(ای محمد) این از اخبار غیب است که بر تو وحی کردیم و تو در کنار آنها نبودی آنگاه که قلم های خود را می افکندند که کدام یک مریم را کفالت و سرپرستی نمایند. و نیز با آنها نبودی هنگامی که با هم ستیزه می نمودند^۵. (۴۴)

به یاد آر آن گاه که فرشتگان به مریم گفتند خدا تو را مژده می دهد به "کلمه" ای از خویشان که نامش مسیح عیسی بن مریم است^۶. و در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاه خدا می باشد. او در گهواره، به سان دوران پیری، با مردم سخن گوید و از شایستگان می باشد. گفت خدایا! چگونه برای من فرزندی تواند بود در حالی که بشری به من نزدیک نشده است؟ گفت خدا آن چه را خواهد این چنین بیافریند. چون او کاری را اراده کند به آن می گوید باش و می شود. (۴۵ - ۴۷)

و بدو کتاب و حکمت و تورات و انجیل بیاموزد. او را پیامبری برای بنی اسرائیل

۱. عمران پدر حضرت مریم است.
۲. یعنی وظایف فرزندی از او نخواهم بلکه او را به خدمت در معبد بیت المقدس به گمارم.
۳. پدر مریم پس از ولادت او درگذشته بود.
۴. کلمه را در این آیه به چند شکل تفسیر نموده اند که آفرینش از جمله آنها است.
۵. چون پدر مریم درگذشت بین خدمتگزاران معبد اورشلیم برای نگهداری از او اختلاف و خصومت پیش آمد. سرانجام با انداختن قلم های خود در آب قرعه کشیدند و زکریا کفیل مریم شد.
۶. کلمه را در این آیه مخلوق و آفریده تفسیر کرده اند.

می‌فرستد (که بگوید) من از جانب پروردگار شما، با دلیل و برهانی برای شما آمده‌ام. من از گل چیزی شبیه مرغ می‌سازم و در آن می‌دمم پس به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود! کور مادرزاد و جذامی را شفا می‌بخشم و به اذن خدا مردگان را زنده می‌کنم. و شما را از آن چه می‌خورید و از آن چه در خانه‌هایتان ذخیره می‌نمائید آگاهی می‌دهم. همانا در آن آیتی برای شما است اگر ایمان داشته باشید. من تورات شما را تصدیق می‌کنم و برخی چیزهایی را که برای شما حرام شده بود حلال می‌گردانم و آیت و معجزه‌ای از پروردگارتان برای شما آورده‌ام. پس از عقاب الهی بترسید و فرمان مرا ببرید. همانا خدا پروردگار من و پروردگار شما است. او را پرستش کنید که این است راه راست. (۴۸ - ۵۱)

و چون عیسی کفر و نابوری آنها را دریافت گفت یاران من در راه خدا کیانند؟ حواریون گفتند ما یاوران خدائیم. به خدا ایمان آورده‌ایم و تو گواه باش که ما تسلیم‌شدگانیم. پروردگار! ما به آنچه که فرستاده‌ای ایمان آوردیم و پیامبران را پیروی کردیم پس ما را با شهادت‌دهندگان بنویس. (و دیگران) مکر کردند و خدا طرح دیگری به کار بست و خدا بهترین طرح‌کنندگان است. (۵۲ - ۵۴)

به یاد آر که خدا گفت ای عیسی من روح تو را می‌گیرم و تو را به سوی خودبالا می‌برم و از آرایش کافران پاک و منزهت می‌دارم و پیروانت را تا روز قیامت بر کافران برتری می‌دهم. و آنگاه بازگشت شما به سوی من خواهد بود تا در میان شما در آن چه با هم اختلاف می‌کردید داوری کنم. پس آنانی را که کفر ورزیدند در دنیا و آخرت به عذاب سختی معذب گردانیم و برای (نجات) آنها هیچ یاورانی نباشد! و اما آنهایی که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند مزدهایشان به‌تمام دهیم و خدا ستمکاران را دوست ندارد. (۵۵ - ۵۷) این سخنان که (ای‌محمد) بر تو تلاوت می‌کنیم از آیات الهی و یادداشت‌های حکمت‌آمیز است. مثل عیسی نزد خدا همانا مانند خلقت آدم است. او را از خاک آفرید سپس بدان گفت باش و شد. سختی است حق از جانب پروردگار تو پس هرگز به خود شک و تردید راه مده. با وجود دانستی که از سوی خدا بر تو آمده هر کس در آن باره (ولادت عیسی) با تو محاجه کند بگو بیانیید ما و شما، به اتفاق زنان و فرزندانمان گردانیم و مباحله نمائیم و لعنت و نفرین خدا را بر دروغ‌گویان بخواهیم. این داستان به حقیقت سخن حق است و جز خدای یکتا معبودی نیست و بی‌شک عزیز و فرزانه می‌باشد. پس اگر آنها روی برتافتند بدانند که خدا به کار تبهکاران دانا است. (۵۸ - ۶۳)

بگو ای اهل کتاب! بیانیید به سوی کلمه حقی که میان ما و شما یکسان است: که به جز خدای یگانه هیچکس را نپرستیم. و چیزی را بدو شریک قرار ندهیم. و بعضی از ما بعض دیگر را به جای خدا به ربوبیت نپذیریم! پس اگر آنها روی برتافتند بگوئید شما گواه باشید که ما تسلیم‌شدگان به خدا هستیم. (۶۴)

ای اهل کتاب! چرا درباره ابراهیم ستیز و محاجه می‌کنید؟ در حالی که تورات و انجیل
 ۱. در سال دهم هجری نمایندگانی از سوی مسیحیان نجران به مدینه آمدند و درباره اسلام و مسیحیت با پیامبر گفتگو کردند... پیامبر وقتی دید که آنها با همه دلیل و برهانی که آورده دست از "الوهیت" عیسی ع برنمی‌دارند گفت فردا با عیالات و فرزندانمان بیانیید و تضرع‌کنان از خدا بخواهیم که آن کس از ماها را که دروغ می‌گوید لعنت کند. در جلسه مشورتی که آن شب مسیحیان بین خود ترتیب دادند اسقف آنها گفت اگر فردا محمّدص با دخترش فاطمه و فرزندان وی حسن و حسین بیاید چون آنها را دوست دارد پس دروغگو نخواهد بود و لذا ما نباید حاضر به مباحله شویم. فردا چنین شد و محمّدص علی، فاطمه، حسن و حسین را با خود آورد. لاجرم مسیحیان تسلیم شدند و با پیامبر صلحی برقرار ساختند که از آزادی مذهب برخوردار باشند.

پس از او فرستاده شده است آیا در این باره نمی‌اندیشید؟^۱ گیرم در باب آن چه می‌دانید محاجه کنید پس چرا درباره آن چه نمی‌دانید ستیزه می‌نمائید؟ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.^۲ ابراهیم یهودی و نصرانی نبود ولیکن به دین حنیف و تسلیم شده به خدا بود و از مشرکان به حساب نمی‌آمد. بی‌گمان نزدیکترین کسان به ابراهیم آنهایی هستند که او را پیروی کردند و این پیامبر و امت اوست که ایمان آوردند و خدا دوستدار و یاور مؤمنان می‌باشد. (۶۵ - ۶۸) گروهی از اهل کتاب دوست دارند که شما را گمراه گردانند ولی آنها جز خودشان کسی را گمراه نمی‌کنند و این را نمی‌دانند. ای اهل کتاب! چرا آیات الهی را باور نمی‌کنید در حالی که شما بدان گواهی می‌دهید؟ ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل می‌پوشانید و حق را کتمان می‌نمائید در حالی که شما حق بودن آن را می‌دانید. (۶۹ - ۷۱)

گروهی از اهل کتاب گفتند به کتابی که برای مؤمنان فرستاده شده در آغاز روز ایمان بیاورید و آخر روز آن را انکار نمائید باشد که آنها از اسلام برگردند. و جز به آن کس که پیرو دین شما باشد ایمان نیاورید. (ای رسول) بگو که هدایت خداست! (آنها باز به همدیگر گفتند باور نکنید که) به امت‌های دیگر هم مثل شما شریعت و کتابی داده شود، یا آن که بتوانند در پیشگاه پروردگارتان با شما محاجه کنند. بگو فضل و رحمت به دست خدا است به هر که خواهد عطا کند و خدا گشایش‌دهنده دانا است.^۳ هر که را خواهد به رحمت خود مختص گرداند و او صاحب فضل بزرگ می‌باشد. (۷۲ - ۷۴)

از اهل کتاب کسی هست که اگر گاو پوستی زر به امانت بدو بسیاری به تو برمی‌گرداند و از آنان کسی هم هست که اگر یک دینار به امانت به او بدهی آن را به تو بازنگرداند مگر آن که پیوسته بالای سرش ایستاده باشی. این بدان سبب است که آنها گفتند در ربودن مال بی‌سوادان ملامتی نیست! و آنها بر خدا دروغ می‌گویند در حالی که خودشان می‌دانند! آری هر کس به عهد خود وفا کند و پرهیزکار و خداترس باشد (بداند که) خدا پرهیزکاران را دوست دارد. کسانی که پیمان خویش را با خدا و نیز سوگندهای خود را به بهای اندکی می‌فروشند آنان را در آخرت بهره‌ای نخواهد بود و در روز رستاخیز خدا با آنان سخن نخواهد گفت و به آنان نظر نخواهد افکند و آنان را از گناه منزّه نخواهد ساخت و عذاب دردناکی بر آنان خواهد بود! کسانی از آنان زبان خود را برمی‌گردانند تا سخنی را که از تورات نیست پندارید از تورات می‌گویند و آن چه را که از جانب خدا نیست از سوی او قلمداد نمایند و بر خدا دروغ بندند در حالی که خود دروغ بودن آن را می‌دانند. (۷۵ - ۷۸) بر هیچ بشری شایسته نیست که خدا بدو کتاب و حکمت و نبوت بدهد بعد او به مردم

بگوید که به جای خدا مرا بپرستید! بلکه بگوید که به سبب آن چه از کتاب خدا به دیگران
 ۱. یهودیان می‌گفتند ابراهیم در دین ما بود و مسیحیان ادعا می‌کردند که او کیش عیسوی داشت. قرآن می‌گوید این گفته‌ها درست نیست زیرا تورات و انجیل بعد از ابراهیم نازل شده و دین یهود و مسیحیت پس از وی تشریح گشته است.

۲. یعنی با وجودی که می‌دانستید که تورات و انجیل پس از ابراهیم نازل شده باز با هم محاجه می‌کردید ولی در باب یهودی یا نصرانی بودن ابراهیم، که علم و اطلاعی نداشتید، چرا محاجه می‌نمودید؟

۳. یهودیان به همکیشان خود توصیه می‌کردند برای برگرداندن مسلمانان از دینشان صبح بگویند که ما هم مسلمان شدیم و عصر آن را انکار کنید که دین مطلوبی نیست. و نیز یهودیان خیر به یهودیان مدینه پیغام می‌دادند که فقط از دین خود و دین داران خویش پیروی کنید. باور نکنید که خدا غیر از یهود به دیگران هم شریعتی بدهد و کتابی عطا کند که بتوانند بر پایه آن کتاب نزد خدا با شما محاجه کنند. قرآن خطاب به محمدص می‌گوید به آنها بگو که هدایت از جانب خدا است و فضل و رحمت به دست او است که به هر کس خواهد عطا کند.

می‌آموزید و نیز با عنایت به آن چه خود از آن می‌خوانید خداپرست باشید. خدا نمی‌فرماید که فرشتگان و پیامبران را پروردگار خود بگیرید چگونه ممکن است او شما را پس از آن که اسلام آوردید به کفر فرمان دهد؟! (۷۹ - ۸۰)

و چون خدا از پیامبران پیمان تبلیغ گرفت آنگاه به شما کتاب و حکمت بخشید، پس از آن فرستاده‌ای برایتان آمد که آن چه را با خود داشتید (تورات و انجیل) تصدیق می‌کرد تا شما بدو ایمان آورید و او را یاری کنید. فرمود آیا (به آن چه فرستادم) اقرار کردید و عهد مرا به گردن گرفتید؟ گفتند اقرار کردیم. گفت پس گواه باشید و من نیز با شما از گواهان خواهم بود. و پس از این هر کس روی برتابد محققاً از تبهکاران خواهد بود! آیا جز دین خدا دین دیگری می‌طلبند در حالی که هر که در آسمان و زمین است خواه و ناخواه فرمانبردار خدا است و به سوی او بازگردانده می‌شود. بگو به خدا ایمان آوردیم و بدان چه بر ما فرود آمده، و به آن چه ابراهیم و اسماعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان او نازل شده، و نیز به آن چه به موسی و عیسی و پیامبران دیگر از سوی پروردگارشان آمده، به همه ایمان آورده‌ایم. میان هیچیک از آنها فرق نگذاریم و همه فرمانبردار او هستیم. (۸۱ - ۸۴)

هر کس غیر از اسلام دینی بجوید هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران است! خدا چگونه قومی را هدایت کند که پس از آن که ایمان آوردند و گواهی دادند که این پیامبر حق است و نیز بعد از آن که آیات و دلایل بر آنان آمد باز کافر شدند و خدا ستمکاران را هدایت ننماید! جزای آنها این است که لعنت خدا و فرشتگان و مردم همگی بر آنها باشد. آنها در آن (لعنت و جهنم برای همیشه) ماندگار شوند. نه عذابشان سبک گردد و نه مجال و مهلتی به آنها داده شود! مگر کسانی که بعد از آن توبه کردند و صالح شدند که بی‌گمان خدا آمرزندهٔ مهربان است. (۸۵ - ۸۹)

کسانی که بعد از ایمان آوردن کافر شدند سپس بر کفر و بی‌ایمانی خود افزودند هرگز توبه‌شان پذیرفته نگردد و آنها از گمراهانند! کسانی که کفر ورزیدند و در حالی که کافر بودند مردند از هیچیک از آنها فدیة و عوضی، اگر چه وسعت زمین را زر پر کنند، پذیرفته نخواهد شد. برای آنان عذاب دردناکی است و یارانی بر آنها نخواهد بود. (۹۰ - ۹۱)

شما هرگز به نیکی نرسید مگر آن که از آن چه دوست دارید در راه خدا انفاق و احسان کنید و هر آن چه انفاق کنید خدا بر آن دانا است. (۹۲)

همهٔ خوردنی‌ها بر بنی‌اسرائیل حلال بود مگر آن چه اسرائیل، پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود. بگو اگر راست می‌گوئید تورات را بیاورید و بخوانید. هر کس بعد از این بر خدا دروغ بزند همانا از ستمکاران خواهد بود. (۹۳ - ۹۴)

بگو خدا راست گفت. از آئین حنیف ابراهیم پیروی کنید و او از مشرکان نبود. نخستین خانه‌ای که برای مردم (جهت عبادت خدا) بنا شده آن است که در بگه است. پربرکت است و در آن برای جهانیان هدایت می‌باشد.^۲ در آن آیات تابناکی است (مثل) مقام ابراهیم. و هر کس در آن درآید در امان باشد. و حج گزاردن در این خانه برای خدا بر مردم، بر آن کس که استطاعت این راه را دارد، واجب است. و هر کس کفر ورزد (بداند که) خدا از جهانیان بی‌نیاز است. (۹۵ - ۹۷)

بگو ای اهل کتاب چرا کفر می‌ورزید در حالی که خدا بدان چه می‌کنید گواه است! (۹۸)

بگو ای اهل کتاب چرا کسی را که ایمان آورده است از راه خدا باز می‌دارید و کژی

۱. خدا هرگز دستور نمی‌دهد عیسی‌ع را پروردگار خود بدانیم و مقام الوهیت بر او قائل شویم.

۲. بگه بر وزن مگه آن قسمت از زمین مکه است که کعبه در آن بنا شده است.

او را می‌طلبید در صورتی که خود بر زشتی آن آگاهید. (بترسید که) خدا از آن چه می‌کنید غافل نیست. (۹۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر بسیاری اهل کتاب را پیروی کنید آنها شما را پس از ایمانتان به کفر و ناباوری برمی‌گردانند و چگونه کافر می‌شوید در حالی که آیات الهی بر شما تلاوت می‌شود و پیامبر او در بین شما می‌باشد. و هر کس که به خدا پناه آورد بی‌گمان به راه راست هدایت شده است. (۱۰۰ - ۱۰۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از عذاب خدا بترسید آنچنان که شایسته ترس از عذاب او است و هرگز نمیرید مگر آن که مسلمان و تسلیم او باشید. همگی به رشته خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید. و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید. که شما دشمن یکدیگر بودید میان دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت تا به نعمت او برادران همدیگر شدید و در صورتی که بر پرتگاه آتش بودید او شما را از آن نجات داد. خدا آیات خود را این چنین بر شما بیان می‌کند تا مگر به راه راست هدایت شوید. (۱۰۲ - ۱۰۳)

باید از شما گروهی باشد که مردم را به نیکوکاری دعوت کنند و از کارهای زشت بازدارند و آنان رستگارانند. همانند آنهایی نباشید که پس از آن که دلایل و حجت‌های روشن بر آنان آمد باز متفرق گشتند و طریق اختلاف در پیش گرفتند که برای آنها عذاب سختی می‌باشد. (۱۰۴ - ۱۰۵)

روز قیامت چهره‌هایی سفید و روی‌هایی سیاه می‌گردد. از آنهایی که روی‌هایشان سیاه می‌شود (سوال گردد) چرا بعد از آن که ایمان آوردید کافر شدید؟ پس به سبب کفری که کردید عذاب را بچشید! اما روسفیدان در بهشت رحمت‌الهی درآیند و در آن جاویدان بمانند. (۱۰۶ - ۱۰۷)

این‌ها آیات خداست که به حق بر تو می‌خوانیم و خدا بر جهانیان هرگز ستمی نخواهد. هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است از آن خداست و بازگشت همه امور به سوی او می‌باشد. (۱۰۸ - ۱۰۹)

شما بهترین امتی هستید که برای (اصلاح) مردم قیام کردید. به کارهای پسندیده امر می‌کنید و از کارهای ناپسند باز می‌دارید و به خدا ایمان می‌آورید. و اگر اهل کتاب هم ایمان آورده بودند برای آنها بهتر بود. (اما) برخی از آنها ایمان آوردند و بیشترشان نافرمان و تبه‌کار شدند! آنها، جز اندک آزاری، هرگز آسیبی به شما نرسانند و اگر به جنگ با شما برخیزند پشت بر شما بنمایند (و فرار کنند) و به آنها یاری نشود. آنها به هر کجا که متوسل شوند محکوم به خواری و ذلت هستند مگر آن که به دین خدا و عهد مسلمانان درآیند. آنها به غضب الهی گرفتارند و فقر و مسکنت بر آنان مقرر گردیده است زیرا به آیات خدا کفر ورزیدند و پیامبران را به ناحق کشتند. و عصبانی که به خدا ورزیدند و تجاوزی که از احکام او کردند موجب آن گردید. (۱۱۰ - ۱۱۲)

همه اهل کتاب یکسان نیستند. گروهی از آنان در دل شب برخاسته به تلاوت آیات خدا و نماز و سجده مشغول می‌شوند به خدا و روز قیامت ایمان می‌آورند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در کارهای خیر بر همدیگر پیشی می‌گیرند و از صالحان و شایستگان می‌باشند. هر کار خیری که انجام دهند ناسپاس نمانند و خدا به حال پرهیزکاران دانا است. (۱۱۳ - ۱۱۵)

آنان که کافر شدند هرگز مال و فرزندانشان آنها را از عذاب خدا نرهانند و آنان اهل آتشند و در آن جاویدان بمانند. مثل انفاقی که آنها در زندگی این جهان می‌کنند همانند بادی

است که توأم با سرما به کشتزار قوم ستمکاری به وزد و آنان را نابود گرداند. خدا بر آنها ظلم نکرد بلکه خودشان بر خویشان ستم نمودند. (۱۱۶ - ۱۱۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر همدینان خود دوست و همراه نگیرید که آنها در تباهی شما کوتاهی نکنند. آنها در رنج بودن شما را دوست دارند. همانا کینه و عداوت از گفتارشان پیدا است و آن چه در دل پنهان می‌دارند بزرگتر از آن است (که به زبان می‌آورند). به یقین ما آیات خود را بر شما بیان کردیم اگر شما عقل و اندیشه به کار برید. بدانید این شمائید که آنان را دوست می‌دارید ولی آنها شما را دوست ندارند زیرا شما به همه کتاب‌های آسمانی ایمان دارید ولی آنها تا شما را ببینند (به قرآن) اظهار ایمان می‌کنند و چون تنها شوند از خشم سرانگشتان خود را به دندان گیرند! بگو در این خشم بمیرید که خدا به راز درون دل‌ها آگاه است. اگر به شما خیری برسد آنها را بد آید و اگر بدی به شما روی آورد بدان شادمان گردند. هرگاه شکیبیا باشید و تقوی پیشه کنید حبله و نیرنگ آنها هرگز به شما زبانی نرساند بی‌گمان خدا بدان چه می‌کنند احاطه دارد. (۱۱۸ - ۱۲۰)

به یاد آر (ای محمد) بامدادی را که به جهت صف‌آرایی مؤمنان برای جنگ از خانه‌ات بیرون شدی و خدا بر همه گفتار و کردار تو شنوا و دانا بود. و به یاد آر هنگامی را که دو گروه از شما بر آن شدند که بگریزند و خدا یاور آنها بود. پس مؤمنان باید به خدا توکل نمایند.^۱ و خدا شما را در جنگ بدر یاری کرد در حالی که شما ناتوان بودید. پس از خدا بترسید باشد که سپاسگزار شوید. (۱۲۱ - ۱۲۲)

بمباد آر هنگامی را که به مؤمنان می‌گفتی آیا برای شما بس نیست که پروردگارتان با سه هزار فرشته منزل یاریتان نمود؟ آری اگر شما شکیبیا شوید و پرهیزکاری کنید و دشمن بر شما بتازد خدا با پنج هزار فرشته متمایز (با پرچم اسلام) شما را نصرت و یاری دهد. (۱۲۴ - ۱۲۵)

خدا این‌کار را جز مژده‌ای برای شما نساخت تا دل‌هایتان بدان اطمینان یابد و نصرت و فیروزی جز از جانب خدای فرزانه نباشد. تا ریشه کسانی را که کافر شدند قطع کند یا سرکوبشان سازد که نومیدانه باز گردند. به دست تو کاری نیست خداست که توبه‌شان را بپذیرد و یا چون ستمکارند دچار عذابشان سازد.^۲ آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خدا و ملک اوست هر کس را خواهد می‌آمزد و هر کس را خواهد عذاب می‌کند و خدا آمرزنده مهربان است. (۱۲۶ - ۱۲۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید دو برابر و چند برابر ربا مخورید و از خدا بترسید باشد که رستگار شوید. و از آتشی که برای کافران آماده شده است پرهیزید. از خدا فرمان ببرید و از پیامبرش اطاعت کنید باشد که مورد رحمت قرار گیرید. و بشتابید به سوی آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که فراخیش پهنای آسمان‌ها و زمین است و برای پرهیزکاران آماده می‌باشد. (۱۳۰ - ۱۳۳)

آنان که در وسعت و تنگدستی انفاق و احسان می‌کنند و هنگام غضب خشم خود را فرو می‌خورند و از خطا و گناه مردم درمی‌گذرند (کار نیکو می‌کنند) و خدا دوستدار نیکو

۱. در جنگ احد قریشیان با پنج هزار نفر به مدینه حمله کردند. پیامبر برای دفاع با هزار کس از شهر بیرون رفت. در وسط راه عبدالله بن‌ابی که از منافقان بزرگ مدینه بود با سیصد نفر از پیروانش به مدینه بازگشت. دو طایفه اوس و خزرج هم پس از بازگشت او ترسیدند و می‌خواستند برگردند ولی این کار عملاً واقع نشد.

۲. وقتی پیامبر در جنگ احد از شهادت و مثله‌شدن عمویش حمزه مطلع شد و در صدد نفرین برآمد این آیه نازل گردید که کار به دست تو نیست. خداست که اگر بخواهد آنان را می‌بخشد و یا عذاب می‌نماید.

کاران است. و کسانی که هرگاه کار ناشایستی از آنها سر زند، یا بر نفس خویش ستمی کنند خدا را به یاد آورند و از گناهان خود استغفار نمایند که جز خدا آمرزنده گناهان نیست، و با علم و آگاهی بر آنچه کرده‌اند اصرار نورزد پاداش عمل آنها آمرزش پروردگارشان و بهشتی است که زیر درختان آن نهرها جاری است و در آن جاوید بمانند و چه پاداش نیکی است بر کسانی که چنین نمایند. (۱۳۴ - ۱۳۶)

قبل از شما امت‌هایی (بوده‌اند و) درگذشته‌اند در روی زمین بگردید و بنگرید که عاقبت کار کسانی که آیات الهی را تکذیب کردند چگونه شده است؟! این نگرش برای عامه مردم بیانی و برای پرهیزکاران پند و هدایتی می‌باشد. (۱۳۷ - ۱۳۸)

از شکست اُحد سست نشوید و اندوهگین نگردید. اگر شما ایمان داشته باشید برتر خواهید بود اگر به شما گزند رسیده به دشمن نیز گزندی همانند آن رسیده است و ما این روزها (ی فتح و شکست) را میان مردم می‌گردانیم تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند معلوم دارد و از شما گواهانی بگیرد و خدا ستمکاران را دوست ندارد. و تا (با این نیک و بد روزگار) خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند پاک گرداند و کافران را تپاه سازد. (۱۳۹ - ۱۴۱)

آیا گمان کرده‌اید که به بهشت درمی‌آئید بدون آن که خدا کسانی را که جهاد کرده و شکیبایی نمودند شناخته باشد؟ شما همان‌هایی بودید که پیش از آن که با مرگ روبرو شوید آن را آرزو می‌کردید چه شد حالا که آن را (در اُحد) دیدید به نظاره ایستاده‌اید؟ (۱۴۲ - ۱۴۳) محمد، جز پیامبری از جانب خدا نیست. پیش از او نیز پیامبرانی بودند که درگذشتند.

اگر او بمیرد یا کشته شود آیا شما به گذشته‌ها و آئین پیشینیان خود برمی‌گردید؟ هر کس چنین کند و به عقب برگردد زبانی به خدا نرساند و به زودی خدا سپاسگزاران را پاداش می‌دهد. هیچکس جز به‌اذن خدا نمی‌میرد و خدا برای هر کس (اجل) و کتاب‌معینی قرار داده است. هر که پاداش خواهد از آن بهره‌مندش می‌کنیم و هر که ثواب آخرت خواهد از نعمت آخرت برخوردارش گردانیم و البته سپاسگزاران را پاداش دهیم. چه بسیار پیامبرانی که خداپرستان زیادی همراه آنان کارزار کردند و از سختی‌هایی که در راه خدا به آنان رسید سستی نگرفتند. ناتوان نشدند و زبون نگشتند و خدا صبرکنندگان را دوست دارد. سخن آنها جز این نبود که گفتند پروردگارا! از گناهان ما درگذر و زیادروی‌های ما را در کارهایمان بر ما ببخش. قدم‌های ما را استوار گردان و ما را بر گروه کافران پیروزی ده. پس خدا پاداش دنیا و ثواب نیک آخرت به آنها عطا کرد و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (۱۴۴ - ۱۴۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از کافران پیروی کنید شما را به آئین پیشینیان برمی‌گردانند و آن وقت شما هم از زیانکاران خواهید بود. (نه!) بلکه خدا یاور شماست و او بهترین یاری‌دهندگان است. به دل‌های کافران به زودی بیم افکنیم زیرا آنها چیزی را بر خدا شریک قرار می‌دهند که خدا هیچ دلیل و برهانی بر آن نفرستاده است. جایگاه آنها آتش است و قرارگاه بدخواهان منزلگاه بدی می‌باشد. (۱۴۹ - ۱۵۱)

هنگامی که شما (در جنگ اُحد) به اذن خدا دشمنان را به خاک هلاکت می‌انداختید صدق وعده خدا را (در باب یاری با شما) دریافتید. تا آن که سستی به خرج دادید و با هم ستیزه نمودید و از (دستور پیامبر) آن هم پس از آن که آن چه را خواهانش بودید به شما بنمود، نافرمانی کردید! گروهی از شما خواهان دنیا شدید و بعضی دیگر خواهان آخرت. پس شما را از پیشرفت و غلبه بازداشت تا بیازماید. همانا از تقصیر شما درگذشت که خدا بر مؤمنان فضل و رحمت دارد.

هنگامی که شما به کوه بالا می‌رفتید و به کسی توجه نمی‌نمودید و پیامبر شما را از

پشت سرتان به یاری دیگران دعوت می‌کرد پس خدا به سزای غمی (که در دل پیامبر پدید آوردید) غم شکست را نصیب شما ساخت تا بر آن چه از دست‌شما رفت اندوهگین شوید و نه بدان‌چه به شما رسید. و خدا بدان‌چه می‌کنید دانا است. سپس، بعد از آن عم آرامشی به صورت خواب بر شما نازل کرد که جمعی از شما را فرا گرفت. و گروهی که به‌فکر جان خویش بودند به ناحق، مثل دوران جاهلیت درباره (نصرت) خدا گمان‌کرده گفتند آیا چیزی از اختیار و فرمان در دست ما است؟ بگو به راستی اختیار و فرمان همه در دست خدا است. آنها مطالبی در دل‌های خود پنهان می‌سازند و بر تو آشکار نمی‌نمایند. می‌گویند اگر چیزی از اختیار در دست ما بود در اینجا کشته نمی‌شدیم. بگو اگر شما در خانه‌هایتان هم می‌بودید بدون شک کسانی که کشته شدن برایشان نوشته شده بود، (به پای خود) به قتلگاه‌های خویش می‌آمدند تا خدا آن‌چه را که در دل دارید بیازماید و آن‌چه را که در دل‌های شما است پاک و خالص گرداند و خدا بدان‌چه در دل‌ها است آگاه است^۱. بی‌گمان کسانی از شما که در روز مقابله طرفین پشت کردند شیطان آنها را به سبب نافرمانی و بعضی کارهای بدشان به‌لغزش افکند و خدا از آنها درگذشت که خدا آمرزنده بردبار است. (۱۵۲ - ۱۵۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید مانند آنهایی نباشید که کفر ورزیدند و در مورد برادران خود، هنگامی که به سفر می‌رفتند یا به جنگ می‌شدند، گفتند اگر نزد ما می‌ماندند نمی‌مردند و به‌قتل نمی‌رسیدند^۲. تا خدا این آرزوهای باطل را در دل‌هایشان حسرتی قرار دهد. خدا است که زنده می‌کند و می‌میراند و خدا بدان‌چه می‌کنید بینا است. و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید بی‌شک به آمرزش و رحمت خدا نائل می‌شوید و آن بهتر از هر چیزی است که آدمی در حیات دنیا می‌تواند بیندوزد. و اگر مردید یا کشته شدید البته به سوی خدا برانگیخته می‌شوید. (۱۵۶ - ۱۵۸)

(ای محمد) بر اثر رحمت خدا است که تو با آنها نرم‌خوئی کردی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی بی‌شک مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس برایشان ببخش و برای آنها آمرزش بخواه و با آنان در کارها مشورت کن. و چون تصمیم به کاری گرفتی بر خدا توکل کن که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد. اگر خدا شما را یاری کند هیچکس بر شما غلبه ننماید و اگر او شما را به خواری ترک گوید کیست که بعد از آن شما را یاری کند؟ و مؤمنان بر خدا توکل نمایند. (۱۵۹ - ۱۶۰)

شایسته هیچ پیامبری نیست که خیانت کند و هر که خیانت کند روز قیامت با آن عملش حاضر آید آنگاه جزای هر کس بدان‌چه کرده است داده شود و بدون آن که ستمی بر آنان

۱. این آیات در رابطه با جنگ اُخُد است. در آن جنگ ابتدا مسلمانان دشمنان را شکست دادند. پیامبر اسلام در موقع صف‌آرایی جنگی گروهی تیرانداز در گذرگاهی از کوه احد گذاشته بود که مانع نفوذ دشمن از آن جا به پشت جبهه مسلمین شوند. این تیراندازان وقتی دیدند که دشمن شکست خورد بدون توجه به تأکیدات رسول که هرگز آنجا را خالی نگذارند برای به دست آوردن غنیمت گذرگاه را ترک کردند! دشمنان شکست خورده چون متوجه خالی بودن این گذرگاه گشتند از آنجا به پشت جبهه آمده مسلمانان را که سرگرم تحصیل غنیمت بودند به سختی شکست دادند. مسلمانان از ترس جان پراکنده شده به کوه بالا رفتند. پیامبر به شدت مجروح گشت. صد نفر از دشمنان او را محاصره کردند ولی دوازده نفر از مسلمانان با از جان گذشتگی از او دفاع نمودند و چون به حال آمد فراریان را دعوت به مراجعت و جدال با دشمن کرد. مورخان وضع آن روز را معجزه تعبیر می‌نمایند و عقیده دارند با آن که قتل پیامبر به‌وسیله آن یکصد نفر و همچنین یورش به مدینه و تصرف کانون اسلام پس از پراکندگی مسلمین برای دشمن کاملاً فراهم بود با این حال آنها بدون هیچ دلیلی به مکه بازگشتند.

۲. بعضی از بستگان کافران که اسلام آورده و در راه دین فداکاری می‌کردند گفتند اگر آنها به جنگ و سفر نمی‌رفتند نزد ما می‌ماندند کشته نمی‌شدند.

روا گردد. (۱۶۱)

آیا کسی که در پی جلب رضای خدا است مانند کسی است که خشم او را برانگیزد و جایگاهش جهنم است؟ و چه بد بازگشتگاهی است! آنها نزد خدا درجاتی دارند و خدا بدان چه می‌کنند بینا است. (۱۶۲ - ۱۶۳)

به راستی خدا بر مؤمنان منت نهاد آنگاه که از بین خودشان پیامبری برای آنها برانگیخت تا آیات او را برای ایشان تلاوت کند و آنان را پاک سازد و به آنها کتاب و حکمت بیاموزد اگر چه از پیش در گمراهی بودند. (۱۶۴)

اگر بر شما (در جنگ احد) مصیبتی رسید که شما دو چندان (در جنگ بدر) بر دشمن وارد ساختید گوئید این مصیبت از کجا رسید؟ بگو این مصیبت نتیجه عمل خود شما است. همانا خدا بر همه چیز توانا است. آن چه در روز صف‌آرایی دو گروه بر شما رسید به اجازه خدا بود تا مؤمنان را معلوم دارد و کسانی را که راه نفاق در پیش گرفتند مشخص گرداند (آن کسانی که) چون به آنها گفته شد در راه خدا پیکار کنید و یا دفاع نمایند گفتند اگر ما از فنون جنگ اطلاع داشتیم از شما پیروی می‌کردیم. آنها در آن روز به کفر نزدیکتر از ایمان بودند! چیزهایی بر زبان می‌گویند که در دل هایشان نیست و خدا به آن چه کتمان می‌کنند دانا است. آنان که خود نشستند و در مورد برادرانشان گفتند اگر از ما حرف‌شنوی می‌کردند کشته نمی‌شدند بگو اگر راست می‌گوئید مرگ را از خودتان دور کنید. (۱۶۵ - ۱۶۸)

کسانی که در راه خدا کشته شدند مرده شمارید بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان منتعم می‌باشند. از فضل و رحمتی که خدا به آنها عطا کرده شادمانند و برای آنهایی که به دنبالشان به آنان نپیوسته‌اند بشارت می‌دهند به این که نه برای آنها بیمی هست و نه اندونگین شوند. آنها به فضل و رحمت خدا و به این که خداوند پاداش مؤمنان را ضایع نگرداند شادی می‌نمایند. (۱۶۹ - ۱۷۱)

کسانی که بعد از تحمل آن درد و رنج (در احد) دعوت خدا و پیامبر را اجابت کردند بر نیکوکاران و پرهیزکاران آنها پاداش بزرگی است. آنان که وقتی دیگران به آنها گفتند: اینک مردم بر ضد شما بسیج شده‌اند پس از آنها بترسید، بر ایمانشان افزود و گفتند خدا ما را کفایت می‌نماید و او نگاهبان خوبی است. پس به فضل و رحمت الهی بازگشتند. هیچ غم و رنجی به آنها نرسید و رضای خدا را پیروی کردند و خدا صاحب فضل بزرگی می‌باشد. در واقع این شیطان بود که دوستان و پیروان خود را می‌ترسانید. اما شما از آنها نهراسیدید و اگر ایمان دارید از من بترسید. (۱۷۲ - ۱۷۵)

آنان که در کفر شتاب می‌کنند (ای محمد) تو را محزون نسازند آنها چیزی به خدا زیان نمی‌رسانند. خدا خواهد که در آخرت برای آنها بهره‌ای قرار ندهد و بر آنان عذاب بزرگی خواهد بود. کسانی که کفر را به بهای ایمان خریدند چیزی به خدا زیان نرسانند و برایشان عذاب دردناکی می‌باشد. کسانی که کفر ورزیدند گمان نبرند مهلتی که به آنها می‌دهیم به سود آنها است بلکه به آنها مهلت می‌دهیم که بر سرکشی و طغیان خود بیفزایند و بر آنان عذاب خوارکننده است. (۱۷۶ - ۱۷۸)

خدا بر آن نیست که مؤمنان را بر حالی که اکنون شما دارید واگذارد، تا بدسرشت نیکونهاد را از هم ممتاز گرداند. و خدا بر آن نیست که شما را به رغیب آگاه گرداند ولیکن او از پیامبرانش هر که را خواهد برگزیند. پس به خدا ایمان بیاورید و به پیامبران او بگوئید و اگر ایمان آورید و پرهیزکاری کنید برای شما پاداش بزرگی خواهد بود. کسانی که به نعمت‌های خدا، که از کرم خویش به آنها عطا کرده، بخل می‌ورزند گمان نکنند که برای

آنها بهتر است (نه) بلکه برای آنها بدتر است آن چه بخل کنند به زودی در روز قیامت زنجیری بر گردنشان می‌گردد. میراث آسمان‌ها و زمین متعلق به خداست و خدا بدان چه می‌کنید آگاه است. (۱۷۹ - ۱۸۰)

خداوند سخنان کسانی را که گفتند خدا فقیر است و ما توانگر شنید! آن چه را گفتند و نیز این که پیامبران را به ناحق کشتند خواهیم نوشت و به آنها خواهیم گفت که عذاب آتش سوزان را بچشید. این عذابی است که شما به دست خویشاز پیش فرستادید و خدا در حق بندگان خود ستم نمی‌نماید!... کسانی که گفتند خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم مگر آن که برای ما قربانی بی‌آورد که آتش آن را بخورد! بگو پیش از من پیامبرانی با دلایل و آن چه گوئید برای شما آمدند اگر راست می‌گوئید پس چرا آنها را کشتید؟! اگر تکذیب کردند همانا پیامبران پیش از تو نیز، که با کتاب آسمانی روشن و معجزات و زبورها آمدند تکذیب شدند! (۱۸۱ - ۱۸۴)

هر زنده‌ای شربت مرگ را خواهد چشید و به یقین پاداش اعمال شما روز قیامت داده خواهد شد. پس هر کس از آتش برکنار شد و به بهشت رفت حتماً نجات یافت و حیات دنیا جز کالای فریبنده نیست! شما (در این دنیا) البته با جان و مال مورد آزمایش قرار می‌گیرید و از کسانی که پیش از شما دارای کتاب بودند و نیز از مشرکان آزار زیاد خواهید شنید با این حال اگر شکیبانی کنید و پرهیزکاری نمائید صبر و تقوی موجب پایداری و استواری در کارها خواهد بود. (۱۸۵ - ۱۸۶)

هنگامی که خدا از کسانی که به آنها کتاب داده شده پیمان گرفت که حقایق کتاب را به مردم بیان نمائید و هرگز آن را کتمان نکنید آنها این عهد خدا را به پشت‌سر انداختند و آیات الهی را به بهای اندکی فروختند و چه بد است آن چه معامله کردند! (۱۸۷)

مپندار کسانی که به آن چه آورده‌اند شاد می‌شوند و دوست دارند که به آن چه نمی‌کنند ستوده‌شوند و گمان‌مدار که ایشان را از عذاب رهائی است آنان را عذاب دردناکی است. (۱۸۸)

ملک آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خدا بر همه چیز توانا می‌باشد. همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و گردش شب و روز دلایل روشنی برای خردمندان است. (۱۸۹ - ۱۹۰)

کسانی که خدا را در حال ایستاده یا نشسته یا بر پهلو (خوابیده) یاد می‌کنند و درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند و می‌گویند پروردگارا این جهان با عظمت را بی‌هوده نیافریده‌ای تو پاک و منزهی پس ما را از عذاب آتش نگاهدار! پروردگارا برآستی هر که را تو در آتش افکنی خوار و رسوایش کرده‌ای و بر ستمکاران یاری‌دهنده‌ای نیست! پروردگارا همانا ندادنده‌ای را شنیدیم که برای ایمان بانگ می‌داد (و می‌گفت) که به پروردگارتان ایمان بیاورید پس ایمان آوردیم. پروردگارا از گناهان ما در گذر و بدی‌ها را بپوشان و ما را با نیکان بمیران! پروردگارا آن چه را که به وسیله پیامبران به ما وعده داده‌ای بر ما عنایت کن و روز قیامت ما را خوار و ذلیل مگردان. به راستی که تو وعده‌ات را خلاف نمائی. (۱۹۱ - ۱۹۴)

پس خدا درخواست آنها را اجابت کرد و (خطاب رسید) بی‌گمان من عمل کسی از شما را، چه مرد و چه زن، ضایع نگردانم. بعضی از شما از بعض دیگرید پس کسانی که هجرت کردند و از زاد و بوم خود اخراج شدند و در راه من آزار دیدند و جهاد کردند و

۱. اشاره به "قرض الحسنه" است که به قرض به خدا عنوان شده است. یهود گفتند خدای مسلمانان فقیر است و از ما قرض می‌خواهد.

۲. در آئین موسی راجع بود که قربانی را در محراب بسوزانند تا خدا از تقصیر آنها درگذرد.

کشته شدند از بدی‌های آنها درمی‌گذریم و آنان را در بهشت‌هائی درمی‌آوریم که از زیر درختان آنها نهرها جاری است. که پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خدا است. (۱۹۵)

(ای رسول) کسانی که کافر شدند رفت و آمد و گردش آنها در شهرها فریفته‌ات نکند. اینها بر خورداری اندک است و پس از آن دوزخ جایگاه آنها خواهد بود و چه جایگاه بدی! اما آنهایی که از پروردگارشان ترسیدند منزلگاهشان بهشت‌هائی است که از زیر درختان آنها نهرها روان است. آنها در آنجا جاوید بمانند و خوان احسانی از جانب خدا گسترده دارند و هر چه از جانب خدا باشد برای نیکان بهتر است. (۱۹۶ - ۱۹۸)

از اهل ایمان کسانی هستند که به خدا، و به کتاب آسمانی که بر شما نازل شده (قرآن) و کتاب آسمانی خودشان ایمان آورده‌اند. به اوامر الهی گردن می‌نهند. آیات خدا را به بهای اندک نمی‌فروشند. برای آنها نزد پروردگارشان پاداش نیکو است. و البته خدا سریع الحساب می‌باشد. (۱۹۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید شکیبیا و صبور باشید و با یکدیگر بردباری نمائید و خویشتن را آماده جنگ نگاه دارید و از خدا بترسید که رستگار شوید. (۲۰۰)